

ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی ابزار نشانگرهای بزرگسالی در جمعیت دانشجویی: روایی و پایایی

زهره سلیمانی^۱، الهه حجازی^{۲*}، زهرا نقش^۳، نرجس لاری^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۷

چکیده

هدف مطالعه حاضر ساخت ابزار نشانگرهای بزرگسالی و میزان اکتساب آنها در میان دانشجویان و تعیین ویژگی‌های روانسنجی این ابزار بود. نشانگرهای بزرگسالی براساس یک پژوهش کیفی (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) شناسایی شده بودند که برهمین اساس تعداد ۶۱۰ دانشجو با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال (۳۱۷ پسر و ۲۹۳ دختر) از دانشگاه تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از تحلیل عاملی اکتشافی، پرسشنامه‌ای متناسب با بافت ایرانی جهت اندازه‌گیری نشانگرهای بزرگسالی با ۴۶ گویه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰۵، در ۶ مولفه تسلط شناختی-هیجانی بر خود، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف، توانایی نقش‌آفرینی در خانواده، پایداری به ارزش‌ها، استقلال و انتقال نقش ساخته شد. نتایج نشان داد دوره تحولی ظهور بزرگسالی در میان دانشجویان دانشگاه تهران وجود دارد و نشانگرهای بزرگسالی نزد دانشجویان بیشتر به مهارت‌های فردی و خانوادگی مربوط می‌شود و ادراک فرد از بزرگسالی خود با افزایش اکتساب این مهارت‌ها، تناسب دارد. همچنین عوامل اشتغال، استقلال مالی و توانایی اداره خانواده برای مردان و توانایی مراقبت و تربیت فرزند برای زنان ملاک مهم‌تری برای اکتساب بزرگسالی نزد دانشجویان محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: ظهور بزرگسالی، بزرگسالی ادراک شده، ابزار نشانگرهای بزرگسالی، تفاوت‌های جنسیتی، دانشجویان.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. *دانشیار گروه مشاوره و روان‌شناسی تربیتی، تهران، ایران. ehajazi@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

بزرگسالی مفهومی چند بعدی است که تاکنون بیشتر از جنبه های انسان شناختی و جامعه شناختی به آن پرداخته شده است. از منظر انسان شناختی، ازدواج ملاک بزرگسالی معرفی می‌شود (شلگل و بری^۱، ۱۹۹۱) و از منظر جامعه شناختی، اکتساب جایگاه‌های تعریف شده در جامعه یعنی نقش همسری و والدگری، اشتغال و اتمام تحصیلات در مقطع دبیرستان به عنوان نشانگرهای بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود (هوگان و آستون^۲، ۱۹۶۸). از نیمه قرن بیستم، مفهوم بزرگسالی با نظریه تحولی روانی-اجتماعی اریکسون مورد توجه روان شناسان نیز قرار گرفت و سن ۱۸ سالگی به عنوان پایان نوجوانی تعریف شد. اما نتایج پژوهش‌ها از اواخر قرن بیستم، نشان می‌دهد جوانان عصر حاضر، این نشانگرها را برای ادراک خود به عنوان بزرگسال معتبر نمی‌دانند و به عبارت دیگر، افراد با اتمام تحصیلات دبیرستان و عبور از سن ۱۸ سال، گرچه خود را نوجوان نمی‌دانند، بزرگسال نیز محسوب نمی‌شوند و معتقدند اکتساب بزرگسالی، با اکتساب ملاک‌هایی حاصل می‌شود که خودشان در ذهن دارند (آرنت^۳، ۱۹۹۷). بنابراین ملاک‌های جدید برای ادراک بزرگسالی، بیشتر جنبه فردی و ذهنی دارند و مثل گذشته به نقش‌های اجتماعی وابسته نیستند (آرنت، ۱۹۹۸). به نظر می‌رسد نظریات ارائه شده در مورد بزرگسالی نیاز به بازنگری داشته باشند، چرا که ممکن است الگوهای ارائه شده در مورد جوانان امروزی به اندازه نسل گذشته کاربرد نداشته باشند (برک^۴، ۱۳۹۱). به بیان دیگر، ممکن است تغییرات اجتماعی موجب تغییر در احساسات، نگرش‌ها و رفتار انسان‌ها و در یک جمله تغییر در فرآیند تحول آن‌ها در گستره حیات شود.

آرنت (۲۰۱۴) چهار رخداد انقلاب تکنولوژی، جنسی، جنبش جوانان و زنان را به عنوان چهار عامل مهم در تکوین این تغییرات در جوامع صنعتی می‌داند و مبتنی بر این تحولات اجتماعی، به وجود آمدن دوره‌ای را برای امتداد فرآیند جامعه‌پذیری لازم می‌پندارد.

-
1. Schlegel & Barry
 2. Hogan & Astone
 3. Arnett

جامعه‌پذیری طبق نظر گروسک^۱ (۲۰۰۲)، چگونگی مشارکت افراد در فرایند اکتساب مهارت‌های لازم جهت عمل کردن به عنوان عضوی از جامعه خود است. آرنت (۱۹۹۸) برخلاف غالب نظریات و پژوهش‌ها علمی معتقد است این فرایند در نوجوانی به پایان نمی‌رسد و بواسطه ادامه تحصیلات و یادگیری مهارت‌ها در مقاطع بالاتر، تا اوایل بزرگسالی ادامه می‌یابد. پیش از این، محققان این بازه سنی را به عنوان یک دوره انتقال (گذار^۲) طرح می‌کردند (لویسون^۳، ۱۹۷۸؛ کنیستون^۴، ۱۹۷۱)، اما آرنت (۲۰۰۰)، پس از سال‌ها مطالعه بر روی مفهوم بزرگسالی، برای اولین بار این دوره انتقالی را یک مرحله تحولی معرفی کرد و آن را ظهوربزرگسالی نامید. ظهوربزرگسالی پلی است میان نوجوانی و بزرگسالی که فرد در آن احساس بزرگسالی ندارد، در عین حال که می‌داند نوجوانی را پشت سر گذاشته است (آرنت، ۲۰۰۰). این دوره، شامل افراد از ۱۸ سال - زمانی که اکثر افراد از دبیرستان فارغ التحصیل شده‌اند- تا ۲۵ سال- زمانی که اکثر افراد به سمت تعهداتی که ساختار زندگی بزرگسالی را تشکیل می‌دهند حرکت می‌کنند- می‌باشد. اگرچه آرنت بازه ۱۸ تا ۲۵ سال را به عنوان مرحله ظهوربزرگسالی مدنظر قرار می‌دهد، ولی بر این باور است که پایان این دوره بسیار متغیر است و سن ادراک بزرگسالی و رسیدن به ثبات در زندگی، مخصوصاً در افراد با تحصیلات بالاتر، بیشتر و نزدیک به ۳۰ سال است. بنابراین بازه ۱۸ تا ۲۹ سال را هم در پژوهش‌های خود در نظر گرفته است (آرنت، ۲۰۱۴).

این دوره تحولی یعنی ظهوربزرگسالی از نظر آرنت ویژگی‌های تحولی اختصاصی خود را دارد و این ویژگی‌ها آن را از نوجوانی و بزرگسالی متمایز می‌کند. آرنت (۲۰۱۴) با انجام مصاحبه روی نمونه‌ای شامل ۳۰۰ جوان امریکایی، بزرگسالی را از نگاه جوانان سنین ۱۸ تا ۲۵ سال مورد مطالعه قرار داد. سپس بر اساس یافته‌های پژوهش ذکر شده، پرسشنامه

-
1. Grusec
 2. Transition
 3. Levinson
 4. Keniston

نشانگرهای اکتساب بزرگسالی در فرهنگ آمریکا را در ۷ مولفه اصلی استقلال^۱ (۶ سوال)، روابط میان فردی^۲ (۴ سوال)، انتقال نقش^۳ (۶ سوال)، التزام به هنجارها^۴ (۸ سوال)، تغییرات جسمانی^۵ (۴ سوال)، تغییرات وابسته به زمان^۶ (۳ سوال)، توانایی‌های خانوادگی^۷ (۴ سوال برای مرد-۴ سوال برای زن) ارائه داد (آرنت، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌های او نشان داد همانطور که پیش بینی می‌شد نشانگرهای بزرگسالی از دیدگاه جوانان تغییرات اساسی داشته است و سه ملاک "قبول مسئولیت برای خود"^۸، "تصمیم‌گیری مستقل"^۹ و "استقلال اقتصادی"^{۱۰} از مولفه استقلال، بالاترین اولویت را به عنوان ملاک بزرگسالی کسب کرده‌اند. او همچنین وظیفه تحولی این دوره را در قالب ۵ ویژگی کلی بیان کرد؛ این ۵ ویژگی عبارتند از: اکتشاف هویت، بی‌ثباتی، تمرکز بر خود، احساس بینابینی و سن احتمالات.

آرنت (۲۰۰۰) طبق نظریه تحولی-فرهنگی خود معتقد است که وجود این دوره تحولی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن در هر جامعه، به شرایط اجتماعی و باورهای فرهنگی آن جامعه وابسته است و اگرچه از بعضی جهات نقاط اشتراکی بین فرهنگ‌ها وجود دارد، نمی‌توان یک الگوی جهانی مشترک برای آن در نظر گرفت (آرنت، ۲۰۰۰). پژوهش آرنت (۲۰۰۳) اثر فرهنگ بر ملاک‌های رسیدن به بزرگسالی را در میان گروه‌های اقلیت قومیتی در آمریکا به خوبی نشان می‌دهد. نتایج پژوهش او که بر روی ۱۰۹ آمریکایی سفیدپوست، ۱۲۲ آمریکایی-آفریقایی، ۹۶ نفر از گروه متعلق به لاتین و ۲۴۷ نفر آمریکایی-آسیایی ۱۸ تا ۲۹ سال و از طریق پرسشنامه ملاک‌های بزرگسالی آرنت (۲۰۰۳) انجام شد، نشان داد که گروه‌های اقلیت نسبت به سفیدپوستان، برای ملاک‌های خانوادگی و هنجاری از جمله

-
1. Independence
 2. Interdependence
 3. Role Transitions
 4. Norm Compliance
 5. Biological Transitions
 6. Chronological Transitions
 7. Family Capacities
 8. Accepting responsibility for one's self
 9. Independent decision-making
 10. Financial independence

اداره منزل یا رعایت سرعت مجاز اهمیت بیشتری قائل بودند، البته بین نقش های مردانه و زنانه در امور خانواده در هر دو گروه تفاوتی دیده نشد.

اهمیت شناسایی این بازه سنی به عنوان یک دوره تحولی مجزا، تمرکز بر یک برهه حساس^۱ در زندگی انسان است، زیرا یافته های پژوهش ها نشان می دهد که برخلاف گذشته که نوجوانی به دلیل تغییرات سریع جسمانی و روانی-اجتماعی، مهم ترین دوره تحولی در نظر گرفته می شد (کوک و فستنبرگ^۲، ۲۰۰۲؛ به نقل از امیری، قاسمی نواب و یعقوبی، ۱۳۹۵)، در سال های اخیر بیشترین رخدادها با تاثیرگذاری تقریباً مادام العمر در دوره سنی ۱۸ تا ۲۵ سال رخ می دهند (گروب، کرینگز و بنگرتر^۳، ۲۰۰۱). به عبارت دیگر، اتفاقاتی که در این دوره برای انسان می افتد، بیشتر از سایر دوره های زندگی، هویت فرد و خاطرات او را تا پایان عمر تشکیل می دهند (تانر^۴، ۲۰۰۶). به علاوه این دوره سنی، عموماً به عنوان بازه ای از عمر انسان در نظر گرفته می شود که شخص در آن بیشتر بر اهداف فرد محور^۵ به جای دیگر محور تمرکز می کند و به دلیل کسب تجارب مختلف در حیطه های شغلی، ارتباطی و جهان بینی، وضعیت بی ثباتی را تجربه می کند و همچنین رفتارهای پرخطر بیشتری را مرتکب می شود (نلسون و بری^۶، ۲۰۰۵؛ آرنت، ۲۰۱۸) و حمایت دقیق از عبور مثبت از این دوره به عنوان سرمایه گذاری برای داشتن یک جامعه سالم و هدفمند، مبتنی بر شناسایی دقیق آن صورت می گیرد.

از این رو در سال های اخیر در کشورهای مختلف به شناسایی آن پرداخته شده است. به عنوان مثال پژوهشی در کشورهای اتریش (سیرش، درهر، میر و ویلینگر^۷، ۲۰۰۹)، چین (نلسون، باجر و وو^۸، ۲۰۰۴)، جمهوری چک (میسک، بچسک و وانیکاو^۹، ۲۰۰۷) و

1. Critical juncture
2. Cook & Furstenberg
3. Grob, Krings & Bangerter
4. Tanner
5. Self-focus
6. Nelson & Barry
7. Sirsch, Dreher, Mayr, & Willinger
8. Nelson, Badger & Wu
9. Macek, Bejček, & Vaničková

انگلستان (هوروویتس و برومنیک^۱، ۲۰۰۷) انجام شده‌اند و نشان دادند که جوانان در بازه ۱۸ تا ۲۵ احساس بینابینی دارند، و ویژگی‌های فردی از جمله تصمیم‌گیری مستقل، پذیرفتن مسئولیت پیامد اعمال خود و استقلال مالی مهم‌ترین نشانگرهای بزرگسالی هستند. فاسیو و مایکاکسای^۲ (۲۰۰۳)، با هدف بررسی وجود دوره ظهوربزرگسالی در آرژانتین و شناسایی ملاک‌های اکتساب بزرگسالی، مطالعه خود را انجام دادند. در نتایج این پژوهش در مقایسه با جوانان گروه لاتین تبار پژوهش آرنت (۲۰۰۳)، جوانان آرژانتینی اولویت بالاتری برای مولفه خانوادگی و بین فردی قائل شدند. در پژوهش دیگری، ژونگ^۳ و آرنت (۲۰۱۴)، به بررسی مفهوم بزرگسالی در میان زنان کارگر چینی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که اکثریت افراد نمونه احساس بینابینی دارند (در بعضی جنبه‌ها خود را بزرگسال می‌دانند و در بعضی جنبه‌ها خیر). اما یادگیری مراقبت از والدین، اشتغال بلندمدت و توانایی مراقبت از فرزندان، به عنوان سه ملاک اصلی به دست آمد. به عقیده ژونگ و آرنت (۲۰۱۴)، این ملاک‌ها معیاری از باورهای فرهنگی سنتی چینی نسبت به الزامات خانوادگی، روابط و تغییر نقش‌های اجتماعی است.

آرنت (۲۰۱۴) درباره وجود دوره ظهور بزرگسالی در کشورهای در حال توسعه نیز بحث می‌کند و معتقد است کشورهای در حال توسعه کمتر در معرض تغییرات اقتصادی-اجتماعی پست‌مدرنیسم قرار دارند و به عبارت دیگر، هرچه جوامع بیشتر به سمت صنعتی-شدن پیش روند، احتمال وجود دوره ظهوربزرگسالی در آنها بیشتر است (آرنت، ۲۰۱۴). او همچنین تفاوت ویژگی‌های این دوره تحولی در جوامع با فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیان می‌کند از لحاظ باورهای فرهنگی، فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری گسترده توصیف می‌شوند از فردگرایی حمایت می‌کنند و افراد جامعه را در پذیرش هنجارها و قوانین جامعه و خانواده آزادتر می‌گذارد. در نتیجه نشانگرهای بزرگسالی در این فرهنگ‌ها بیشتر جنبه ذهنی^۴ و فردی دارند، که توسط افراد معنا می‌شوند.

-
1. Horowitz & Bromnick
 2. Facio & Micocci
 3. Zhong
 4. Subjectively

در مقابل، فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری محدود توصیف می‌شوند به جمع‌گرایی گرایش دارند، فرمان‌برداری و مشارکت را در مهم‌ترین جایگاه ارزشی قرار می‌دهند و انحراف از انتظارات فرهنگی را تقبیح می‌کنند (آرنت، ۱۹۹۵).

با توجه به نقش فرهنگ در شکل‌گیری دوره تحولی ظهور بزرگسالی و همچنین نشانگرهای بزرگسالی این سوال مطرح است که آیا دوره تحولی ظهور بزرگسالی در ایران وجود دارد؟ و نشانگرهای بزرگسالی با توجه به بافت فرهنگی ایران کدامند؟ پژوهشی که قبلاً توسط تیم حاضر به شکل کیفی انجام شده و پایه پژوهش حاضر است در یک طرح پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۵ (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) نشان داد که مفهوم بزرگسالی در ایران شامل شش مولفه تسلط شناختی-هیجانی بر خود، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به هدف، توانایی نقش آفرینی در خانواده، پایبندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی، استقلال و انتقال نقش است. براساس نتایج، نشانگرهای بزرگسالی از حالت هنجاری-سنتی (یعنی رسیدن به سن ۱۸ سال یا ازدواج) به مهارت‌های فردی و توانایی‌های خانوادگی تغییر کرده‌اند. همچنین از میان ۱۹ مصاحبه‌شونده، ۱۶ نفر بیان کردند که خود را بزرگسال نمی‌دانند، یک نفر خود را در ابتدای مسیر بزرگسالی می‌دانست و تنها دو نفر خود را بزرگسال می‌دانستند. به جهت سنجش میزان تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش صورت گرفته، هدف پژوهش حاضر تدوین پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی براساس الگوی مفهومی پیشین (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) و پاسخ به سوالات زیر است:

۱- آیا پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی برای دانشجویان دانشگاه تهران از روایی و پایایی برخوردار است؟

۲- آیا دوره تحولی ظهور بزرگسالی در میان دانشجویان دانشگاه تهران وجود دارد؟

۳- آیا تفاوتی میان دو جنس براساس نشانگرهای بزرگسالی وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های غیر آزمایشی است، که در چارچوب یک طرح تحقیق توصیفی از نوع ساخت ابزار انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل

تمامی دختران و پسران دانشجو در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۹ سال مشغول به تحصیل در دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵ است. به این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۶۷۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انتخاب و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. همانطور که اشاره شد، با توجه به پیشینه پژوهش، نشانگرهای بزرگسالی، تحت تاثیر جنسیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی است. بنابراین برای وجود واریانس لازم در نمونه تلاش شد تا از زنان و مردان (جنسیت) و افراد اهل تهران، به عنوان کلان‌شهر و شهرهای دیگر (وضعیت اقامت) و وضعیت اجتماعی-اقتصادی (سطح مالی) به نسبت تقریباً متوازن وجود داشته باشد. از این میان ۶۰ پرسشنامه به علت مخدوش بودن، کنار گذاشته شد و در نهایت داده‌های مربوط به ۶۱۰ دانشجو با میانگین سنی ۲۳/۱۴ سال برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها

متغیرها	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	دختر	۲۹۳	۴۸
	پسر	۳۱۷	۵۲
وضعیت تاهل	مجرد	۵۴۹	۹۰
	متاهل	۵۹	۹/۷
	مطلقه	۲	۰/۳
تحصیلات	کارشناسی	۳۲۰	۵۲/۴
	کارشناسی ارشد	۲۵۲	۴۱/۳
	دکتری	۳۸	۶/۳
وضعیت اسکان	خوابگاه	۳۶۳	۵۹/۵
	خانه والدین	۲۱۱	۳۴/۶
	خانه مستقل	۳۶	۵/۹
اشتغال	تمام وقت	۲۸	۴/۵
	پاره وقت	۱۱۱	۱۸/۲
	بیکار	۴۷۱	۷۷/۳
سطح مالی خانواده	زیر یک میلیون	۶۰	۹/۸
	بین یک تا سه میلیون	۳۰۹	۵۰/۷
	سه میلیون و بالاتر	۲۴۱	۳۹/۵

ابزار اندازه گیری این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته نشانگرهای بزرگسالی است. همچنین به منظور ارزیابی میزان اکتساب نشانگرهای بزرگسالی از نظر مشارکت کنندگان، پرسشنامه مشابهی با عنوان نشانگرهای بزرگسالی اکتساب شده تدوین شد؛ با این تفاوت که در پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه ای از "بسیار مهم" تا "بی اهمیت" نمره گذاری شدند و در پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی اکتساب شده، گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت چهار درجه ای از "در مورد من کاملاً صادق است" تا "در باره من صادق نیست" نمره گذاری شدند. جهت ساخت این پرسشنامه، از مجموع کدهای استخراج شده از مصاحبه های پژوهش کیفی صورت گرفته (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷)، ۷۳ گویه تهیه شد و ابتدا بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، (۲۴ نفر کارشناسی و ۶ نفر کارشناسی ارشد) اجرا شد میانگین سنی شرکت کنندگان، ۲۱/۵ سال و شامل ۱۶ مرد و ۱۴ زن بودند. از این تعداد ۷ نفر متاهل و ۲۳ نفر مجرد و نیمی از آن ها کار نیمه-وقت داشتند. زمان پاسخگویی حدود ۱۵ دقیقه تخمین زده شد و از دانشجویان خواسته شد سوالاتی که در فهم آن مشکل دارند، مشخص کنند. ضریب الفای کرونباخ برای این نسخه، ۰/۸۷ بدست آمد.

در انتها از شرکت کنندگان خواسته شد تا به این سوال پاسخ دهند که " آیا خود را بزرگسال می دانید؟". گزینه های پاسخ طبق آنچه از بخش کیفی بدست آمد، عبارت اند از بله، خیر، در بعضی جنبه ها بله و در بعضی جنبه ها خیر. به کمک این ابزار، می توان افراد بزرگسال را مشخص کرد. این روش در طبقه بندی ادراک بزرگسالی در مطالعات آرنت نیز استفاده شده است (آرنت، ۱۹۹۷).

یافته ها:

پایایی:

اعتبار ابزار نشانگرهای بزرگسالی به وسیله محاسبه آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت و نتایج زیر بدست آمد.

جدول ۲. نتایج ضرایب آلفای کرونباخ برای عوامل پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی

کل	انتقال نقش	استقلال	پابندی به ارزش‌ها	توانایی نقش آفرینی در خانواده	مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف	تسلط شناختی-هیجانی بر خود
۰/۹۰۵	۰/۷۹۴	۰/۶۳۴	۰/۷۳۶	۰/۸۳۴	۰/۶۳۰	۰/۸۶۲

روایی

پس از اجرای مقدماتی، گویه‌ها بازننگری و اصلاح شد بر روی ۶۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران اجرا شد. پیش از اجرای تحلیل عاملی، پیش فرض عدم وجود رابطه هم خطی چندگانه^۱ عوامل بررسی شد. بر پایه ضرایب همبستگی بدست آمده که همگی کمتر از ۰/۸۵ می باشند، فرض عدم وجود رابطه همخطی چندگانه بین عوامل رعایت شده است (تاباچنیک و فیدل، ۱۹۹۶). تحلیل های مربوط به کفایت نمونه برداری^۲ ($KMO = 0/902$) و اعتبار ماتریس همبستگی (آزمون کرویت بارتلت^۳ = ۱۰۱۴۲/۵۱۸) نشان دهنده قابلیت توجیه اجرای تحلیل عاملی و قابلیت اطمینان ساختار عاملی بدست آمده است. برای تعیین تعداد و محتوای عوامل پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی، ارزش‌های ویژه^۴، درصد واریانس تبیین شده و نمودار سنگریزه‌ای عوامل مورد توجه قرار گرفت. براین اساس پس از انجام مراحل تفصیلی با استفاده از روش استخراج مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس ۲۱ گویه حذف شد و ساختار ۶ مولفه‌ای پرسشنامه بدست آمد. گویه‌های حذف شده یا بار عاملی کمتر از ۰/۳۳ داشتند یا در بیش از یک عامل بار داشتند. مقادیر مربوط به ارزش های ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط هر مولفه در جدول سه ارائه شده است. همانطور که مشاهده می شود، ۶ مولفه بطور تراکمی، ۴۳/۹۲ درصد از واریانس را تبیین می کنند.

1. Multicollinearity
2. Kaiser-Meyer-Olkin measure of Sampling adequacy
3. Bartlett
4. Eigenvalues

جدول ۳. ارزش های ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط عامل ها

مولفه ها	درصد واریانس تبیین شده	ارزش ویژه	درصد واریانس تراکمی
تسلط شناختی-هیجانی بر خود	۱۰/۹۶۵	۶/۰۳۱	۱۰/۹۶۵
مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف	۹/۵۵۸	۵/۲۵۷	۲۰/۵۲۳
توانایی نقش آفرینی در خانواده	۸/۵۷۸	۴/۷۱۸	۲۹/۱۰۰
پایبندی به ارزش ها	۵/۵۸۷	۳/۰۷۳	۳۴/۶۸۷
استقلال	۴/۶۲۲	۲/۵۴۲	۳۹/۳۰۹
انتقال نقش	۴/۶۱۹	۲/۵۴۰	۴۳/۹۲۸

در جدول ۴ بار عاملی مولفه ها و میزان اشتراک هر گویه آمده است.

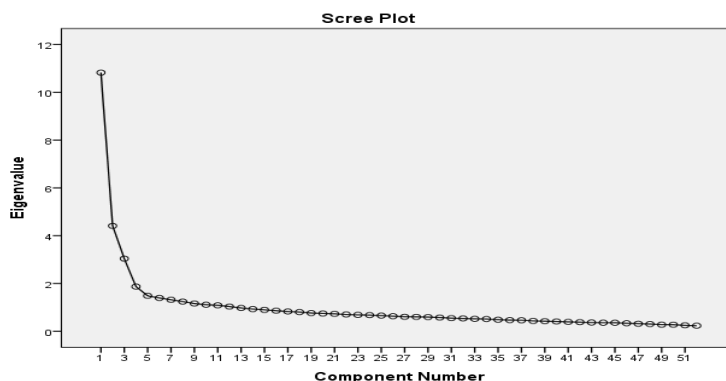
جدول ۴. ماتریس چرخش یافته ساختار عاملی پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی

شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	بار عاملی
۵۴. شناخت توانایی ها، احساسات و رفتار خود	۰/۶۵۸						۰/۵۲۶
۴۸. قدرت انتخاب و تصمیم گیری	۰/۶۱۸						۰/۴۱۹
۴۱. پذیرفتن مسئولیت پیامد اعمال خود	۰/۶۰۷						۰/۴۰۷
۲۲. مدیریت مناسب و دائمی هیجان ها	۰/۵۹۴						۰/۴۶۲
۳۵. شناخت جایگاه خود در هستی	۰/۵۷۰						۰/۵۴۵
۲۴. رسیدن به ثبات شخصیتی و رفتاری	۰/۵۶۱						۰/۴۰۲
۵۷. تشخیص واکنش مناسب در شرایط مختلف و انطباق با آن	۰/۵۵۹						۰/۴۱۸
۲۸. سنجیدگی در روابط اجتماعی	۰/۵۵۷						۰/۳۹۲
۲۶. نگاه واقع گرایانه به زندگی	۰/۵۴۴						۰/۳۴۲
۶۵. احساس تکلیف و مسئولیت پذیری در برابر اجتماع	۰/۵۱۳						۰/۳۴۸
۵۸. التزام به قانون	۰/۴۳۵						۰/۳۶۵
۵۱. پذیرش مشورت (داشتن انعطاف پذیری ذهنی)	۰/۴۲۳						۰/۲۸۷

۰/۴۷۴	۰/۵۹۴	۱. برنامه ریزی برای رسیدن به هدف
۰/۴۲۲	۰/۵۷۰	۷. خودباوری
۰/۴۵۰	۰/۵۳۶	۶. داشتن اهداف بلند مدت و کوتاه مدت مشخص
۰/۳۴۲	۰/۴۷۶	۳۹. صبر و استقامت در برابر مشکلات
۰/۳۷۸	۰/۴۴۶	۱۰. سنجیدگی و پختگی در انجام کارها
۰/۵۷۱	۰/۷۰۴	۵۳. توانایی همسر داری مناسب برای مرد
۰/۵۷۳	۰/۶۹۳	۴۰. توانایی تربیت فرزند برای یک زن
۰/۴۸۴	۰/۶۱۸	۴۷. توانایی تربیت فرزند برای یک مرد
۰/۴۸۰	۰/۶۱۳	۶۱. توانایی همسر داری مناسب برای یک زن
۰/۳۲۰	۰/۵۳۱	۳۶. توانایی حمایت مالی از خانواده برای یک مرد
۰/۴۴۱	۰/۵۱۶	۳۱. توانایی مدیریت خانواده برای یک مرد
۰/۵۰۳	۰/۴۸۴	۴۵. رفتار موقر و متین برای یک زن
۰/۴۱۸	۰/۴۷۵	۵۰. اشتغال برای یک مرد
۰/۴۳۵	۰/۴۴۸	۱۸. قابلیت تکیه گاه بودن برای همسر و فرزندان برای یک مرد
۰/۳۵۵	۰/۴۳۷	۲۱. توانایی اداره امور منزل برای یک زن
۰/۳۴۷	۰/۳۹۵	۹. قابلیت تکیه گاه بودن برای همسر و فرزندان برای یک مرد
۰/۳۵۷	۰/۳۴۱	۷۱. استقلال مالی از والدین برای مرد
۰/۵۸۲	۰/۶۸۸	۴۴. تعهد به اعتقادات و مناسک دینی
۰/۴۸۲	۰/۵۵۳	۱۵. توانایی مراقبت از والدین و تکیه گاهی برای آن ها
۰/۴۶۴	۰/۴۷۶	۴۳. همدردی و نشاط بخشی به دیگران
۰/۳۲۵	۰/۴۳۸	۲۰. رشد دگرخواهی و عدم خودخواهی
۰/۳۵۵	۰/۳۵۵	۴۲. کسب اعتماد دیگران
۰/۶۰۳	۰/۷۴۷	۳. اشتغال برای یک زن
۰/۵۷۳	۰/۶۳۲	۶۰. استقلال مالی برای یک زن

۰/۴۸۹	۰/۵۳۲	۲۵. توانایی حمایت مالی از خانواده برای یک زن
۰/۴۹۸	۰/۳۴۹	۱۷. عدم وابستگی عمیق به والدین
۰/۳۰۸	۰/۳۶۰	۴۹. ساخت اعتقادات و ارزش های شخصی مستقل از والدین
۰/۵۰۴	۰/۶۷۹	۳۷. رسیدن به سن ۲۵
۰/۶۲۹	۰/۶۶۹	۳۲. داشتن حداقل یک فرزند
۰/۵۵۹	۰/۶۶۰	۷۲. اتمام تحصیلات
۰/۴۹۸	۰/۶۴۴	۶۷. بلوغ جنسی و اتمام رشد جسمی
۰/۴۴۷	۰/۶۰۴	۶۶. اتمام سربازی
۰/۵۲۰	۰/۵۰۵	۲۹. ازدواج کردن
۰/۳۲۵	۰/۴۴۵	۲۳. رسیدن به سن ۱۸

در نهایت پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی با ۴۶ گویه در ۶ مولفه، یعنی تسلط شناختی-هیجانی بر خود (۱۲ گویه)، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف (۵ گویه)، توانایی نقش آفرینی در خانواده (۱۲ گویه)، پایداری به ارزش‌ها (۵ گویه)، استقلال (۵ گویه)، انتقال نقش (۷ گویه) ساخته شد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه ای از "بسیار مهم" تا "بی اهمیت" نمره‌گذاری شدند. همچنین به منظور ارزیابی میزان اکتساب نشانگرهای بزرگسالی توسط اعضا، پرسشنامه مشابهی با عنوان نشانگرهای بزرگسالی اکتساب شده در ۶ مولفه، یعنی تسلط شناختی-هیجانی بر خود (۱۲ گویه)، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف (۵ گویه)، توانایی نقش آفرینی در خانواده (۷ گویه)، پایداری به ارزش‌ها (۵ گویه)، استقلال (۵ گویه)، انتقال نقش (۷ گویه) تهیه شد. گویه‌های این پرسشنامه نیز بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه ای از "در مورد من کاملاً صادق است" تا "درباره من صادق نیست" نمره‌گذاری شدند. به دلیل ادغام گویه‌های جنسیتی در این پرسشنامه، تعداد گویه‌ها ۴۰ است. نمودار شیب دار ارزش‌های ویژه برای سؤال‌های پرسشنامه در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱. نمودار شیب‌دار ارزش‌های ویژه برای مولفه‌های پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی به جهت سنجش روایی پرسشنامه، علاوه بر تحلیل عاملی اکتشافی، میزان تفاوت ملاک‌های بزرگسالی اکتساب شده با بزرگسالی ادراک شده (بزرگسال هستم/ نیستم) در بعضی جنبه‌ها بله و در بعضی جنبه‌ها خیر) نیز بررسی شد. جهت بررسی تفاوت میزان ملاک‌های بزرگسالی اکتساب شده (در شش مولفه مفهوم بزرگسالی) در دو گروه افرادی که خود را بزرگسال می‌دانند و افرادی که خود را در دوره ظهور بزرگسالی می‌دانند، از آزمون t مستقل استفاده شد. برای بدست آوردن هر مولفه گویه‌های مربوط به آن با هم جمع شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون t برای مقایسه تفاوت در ملاک‌های بزرگسالی اکتساب شده در دو گروه بزرگسال و ظهور بزرگسالی

آزمون تی		آزمون لوین			ملاک‌های اکتساب شده	
مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	F مقدار	معیار انحراف	میانگین	
-۶/۱۲	۵۷۲	۰/۰۰۱	۰/۹۸۱	۰/۴۶	۳/۱۰	ظهور بزرگسال
				۰/۴۵	۳/۳۴	ظهور بزرگسال
-۵/۱۳	۵۹	۰۰	۰/۶۲۷	۰/۵۷	۳/۰۹	ظهور

تسلط شناختی-هیجانی بر خود اکتساب شده

مدیریت و تنظیم

۰/۱	۰					بزرگسال	امور تا رسیدن به اهداف اکتساب شده
				۰/۵۱	۳/۳۲	بزرگسال	
				۰/۷۱	۲/۶۶	ظهور بزرگسال	توانایی نقش آفرینی در خانواده اکتساب شده زن
۰/۰۰۱	۴۶۳	-۳/۷۱	۰/۹۵۱	۰/۰۰۴		بزرگسال	
				۰/۷۱	۲/۹۱	بزرگسال	
				۰/۷۷	۲/۵۵	ظهور بزرگسال	توانایی نقش آفرینی در خانواده اکتساب شده مرد
۰/۰۰۱	۴۸۶	-۳/۸۹	۰/۱۵۲	۲/۰۵۵		بزرگسال	
				۰/۷۵	۲/۸۲	بزرگسال	
				۰/۵۱	۲/۹۸	ظهور بزرگسال	پایبندی به ارزش- های اکتساب شده
۰/۰۰۱	۵۸۳	-۴/۳۰	۰/۸۱۱	۰/۰۵۷		بزرگسال	
				۰/۵۳	۳/۱۷	بزرگسال	
				۰/۶۴	۲/۴۴	ظهور بزرگسال	استقلال اکتساب شده
۰/۰۰۱	۹۲۸/۵۴	-۴/۸۸	۰/۰۴۳	۴/۱۰۵		بزرگسال	
				۰/۶۸	۲/۷۱	بزرگسال	
				۰/۵۲	۲/۵۹	ظهور بزرگسال	انتقال نقش اکتساب شده
۰/۰۰۱	۴۶۷/۰۷	-۵/۱۱	۰/۳۲۹	۰/۹۵۴		بزرگسال	
				۰/۵۳	۲/۸۳	بزرگسال	

قبل از انجام تحلیل دو پیش فرض همگن بودن و نرمال بودن داده ها مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بررسی نرمال بودن از شاخص های کجی و کشیدگی استفاده شد از آنجایی که مقدار کجی و کشیدگی همه ی عوامل بین ۳+ و ۳- بود لذا این پیش فرض رعایت شده است. به منظور بررسی پیش فرض همگن بودن گروه ها نتایج آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که در جدول ۵ مشاهده شد مقدار F در پنج مولفه اول معنادار نیست، بنابراین دو گروه همگن هستند و برای عوامل استقلال اکتساب شده و انتقال نقش اکتساب شده معنادار است، بنابراین دو گروه همگن نیستند و مقادیر t از حالت واریانس نابرابر دو گروه انتخاب شده اند. مقدار t در سطح ۰/۰۰۱ برای تفاوت در تمام

گروه‌ها معنی دار است و این به معنای آن است که کسانی که خود را بزرگسال می‌دانند، در هر مولفه پرسشنامه نمره بالاتری کسب کرده‌اند، در نتیجه گویه‌های پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی به خوبی توانسته‌اند بزرگسالی را تعریف کنند و میان افراد بزرگسال و غیربزرگسال تفاوت قائل شوند.

آیا دوره تحولی ظهور بزرگسالی در میان دانشجویان دانشگاه تهران وجود دارد؟

برای پاسخگویی، همانند آنچه آرنت (۱۹۹۷) انجام داد، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا میان ادراک بزرگسالی دانشجویان دو بازه سنی ۱۸-۲۵ سال و ۲۵-۲۹ سال تفاوت معناداری وجود دارد؟ بنابراین از شرکت کنندگان خواسته شد تا به این سوال پاسخ دهند که "آیا خود را بزرگسال می‌دانید؟" و گزینه‌ها به صورت "بله"، "در بعضی جنبه‌ها احساس بزرگسالی دارم ولی در بعضی جنبه‌ها خیر" و "خیر" قرار گرفت. به دلیل اینکه هدف، تشخیص افرادی که خود را بزرگسال می‌دانند از کسانی که خود را بزرگسال نمی‌دانند (در دوره ظهور بزرگسالی قرار دارند) است، کسانی که پاسخ منفی داده‌اند و کسانی که پاسخ "در بعضی جنبه‌ها رسیده‌ام" را داده‌اند، در یک گروه دسته‌بندی شدند و ظهور بزرگسالی نامیده شدند. نتایج آزمون خی دو در جدول ۶ ارائه شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که افراد ۲۵ سال به بالا به طور معناداری ادراک بزرگسالی بیشتری نسبت به افراد زیر ۲۵ سال دارند و به عبارتی، دیگر نمی‌توان ۱۸ سالگی را سن آغاز بزرگسالی دانست.

جدول ۶. آزمون خی دو در رابطه بین سن و ادراک بزرگسالی

P-Value	درجه آزادی	مقدار شاخص کای دو	ادراک بزرگسالی		محدوده سنی
			ظهور بزرگسال	بزرگسال	
<۰/۰۰۱	۱	۲۲/۵۴۸	(/۴۸)۲۹۰	(/۳۲)۱۹۴	۲۵-۱۸
			(/۷/۱)۴۳	(/۱۲/۷)۷۷	۲۹-۲۶

آیا تفاوتی بین دوجنس در نشانگرهای بزرگسالی وجود دارد؟

مبتنی بر نتایج پژوهش کیفی (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷)، از ۴۶ گویه پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی، ۱۴ گویه به نشانگرهای بزرگسالی در زن و مرد به طور مجزا می پردازد؛ به طور مثال، توانایی اداره خانواده برای مرد، توانایی اداره خانواده برای زن، توانایی تربیت و مراقبت از فرزند برای مرد، توانایی تربیت و مراقبت از فرزند برای زن. جهت بررسی دقیق تر معناداری تفاوت نشانگرها در دو جنس یا به عبارتی وجود نگاه جنسیتی به مفهوم بزرگسالی، ابتدا داده ها به صورت طیف دوتایی درآمد (بله، خیر) و سپس از آزمون t مستقل استفاده شد.

جدول ۷. نتایج آزمون t برای مقایسه تفاوت در نشانگرهای جنسیتی بزرگسالی

ملاک های جنسیتی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین		آزمون تی	
			مقدار F	سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی
توانایی همسررداری مناسب	۱/۸۹	۰/۳۱۴	۱۶/۷۲	۰/۰۰۱	-۲/۰۳۱	۱۱۶۴/۳۱۷
	۱/۹۲	۰/۲۶۵۷				
توانایی اداره خانواده	۱/۸۷	۰/۳۲۸	۳۰/۶۷	۰/۰۰۱	-۲/۷۳۵	۱۱۲۷/۸۹۷
	۱/۹۲	۰/۲۶۳				
قابلیت تکیه گاهی برای همسر و فرزندان	۱/۹۲	۰/۲۶۳	۰/۳۶	۰/۵۴۷	-۰/۳۰۱	۱۲۰۰/۰۰۰
	۱/۹۳	۰/۲۵۶				
توانایی حمایت مالی از خانواده	۱/۵۰	۰/۵۰۰	۷۷۴/۰۸	۰/۰۰۱	-۱۵/۱۴	۱۰۴۲/۲۱۲
	۱/۸۷	۰/۳۳۱				

					۰/۲۶۰	۱/۹۲	برای زن	توانایی تربیت و مراقبت از فرزند
۰/۰۰۱	۱۱۳۰/۹۷۷	۳/۲۷۷	۰/۰۰۱	۴۴/۳۲	۰/۳۳۶	۱/۸۷	برای مرد	
					۰/۴۵۰	۱/۵۲	برای زن	استقلال مالی
۰/۰۰۱	۹۱۹/۳۴۳	-۱۷/۱۹	۰/۰۰۱	۱۴۵۷/۸۰	۰/۲۶۹	۱/۹۲	برای مرد	
					۰/۴۹۰	۱/۶۰	برای زن	اشتغال
۰/۰۰۱	۸۴۴/۰۹۴	-۱۵/۷۸	۰/۰۰۱	۱۷۴۲/۱۹	۰/۲۲۴	۱/۹۴	برای مرد	

قبل از انجام تحلیل دو پیش فرض همگن بودن و نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بررسی نرمال بودن از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد از آنجایی که مقدار کجی و کشیدگی همه‌ی عوامل بین $+۳$ و -۳ بود لذا این پیش فرض رعایت شده است. به منظور بررسی پیش فرض همگن بودن گروه‌ها نتایج آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفته است. مطابق نتایج ارائه شده در جدول ۷، مقدار F در همه موارد به جز قابلیت تکیه گاهی معنادار است، بنابراین دو گروه همگن نیستند و مقادیر t از حالت واریانس نابرابر دو گروه انتخاب شده اند. مقدار t در سطح $۰/۰۰۱$ برای توانایی اداره خانواده، توانایی حمایت مالی از خانواده، توانایی تربیت و مراقبت از فرزند، استقلال مالی، اشتغال معنادار است و برای توانایی همسرمداری مناسب و قابلیت تکیه گاهی برای همسر و فرزندان معنادار نیست. بنابراین می‌توان گفت:

- توانایی اداره خانواده مردان ملاک مهم تری نسبت به توانایی اداره خانواده زنان، در اکتساب بزرگسالی است.
- توانایی حمایت مالی از خانواده مردان ملاک مهم تری نسبت به توانایی حمایت مالی از خانواده زنان، در اکتساب بزرگسالی است.

- توانایی تربیت و مراقبت از فرزند زنان ملاک مهم تری نسبت به توانایی تربیت و مراقبت از فرزند مردان، در اکتساب بزرگسالی است.
 - استقلال مالی مردان ملاک مهم تری نسبت به استقلال مالی زنان، برای اکتساب بزرگسالی است.
 - اشتغال مردان ملاک مهم تری نسبت به اشتغال زنان، در اکتساب بزرگسالی است.
- برای دو مولفه قابلیت تکیه گاهی و توانایی همسرمداری مناسب می توان گفت، که بین این ملاک ها برای دوجنس زن و مرد، از اهمیت یکسانی برای اطلاق بزرگسالی به یک فرد برخوردار است.

بحث

هدف از این پژوهش آزمون روایی عاملی و پایایی پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی مبتنی بر الگوی مفهومی بدست آمده در پژوهش پیشین (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷)، بررسی وجود دوره تحولی ظهور بزرگسالی و همچنین تعیین تفاوت های جنسیتی در نشانگرهای اکتساب بزرگسالی در گروه نمونه دانشجویان بود.

ابعاد مفهوم بزرگسالی و اعتبار پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی

یافته های پژوهش نشان داد که این پرسشنامه از پایایی بالایی (آلفای کرونباخ = ۰/۹۰۵) برخوردار است که گویای همسانی مطلوب گویه های پرسشنامه است. همچنین نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مولفه های اصلی و چرخش واریماکس نشانگر روایی این پرسشنامه و چند مولفه ای بودن آن است. به طوریکه ۶ مولفه استخراج شده تسلط شناختی - هیجانی بر خود، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف، توانایی نقش آفرینی در خانواده، پایبندی به ارزش ها، استقلال و انتقال نقش، در مجموع بیش از ۴۳ درصد از واریانس کل را تبیین کرده است. عوامل پرسشنامه به خوبی توانسته است ادراک بزرگسالی و ملاک های اکتساب بزرگسالی را نشان بدهد و کاملاً با الگوی مفهومی پدیدارشناختی منطبق است، با این تفاوت که در پژوهش حاضر، مولفه استقلال مالی و

اشتغال برای زنان ذیل مولفه استقلال و استقلال مالی و اشتغال برای مردان ذیل مولفه توانایی نقش‌آفرینی در خانواده قرار گرفت. این تقسیم‌بندی که طبق نتایج پژوهش پیشین (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) قابل پیش‌بینی بود، نشان‌دهنده تقسیم وظایف خانوادگی بر مبنای جنسیت در فرهنگ ایرانی-اسلامی است. بدین صورت که اشتغال، استقلال مالی و توانایی حمایت مالی از خانواده از مسئولیت‌های مردان در خانواده است، در حالیکه این مولفه‌ها از تکالیف مورد انتظار زنان در خانواده محسوب نمی‌شود (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۷۱). به عبارت دیگر ملاک اشتغال و استقلال مالی برای زنان، که در مرتبه پنجم اهمیت در تعریف بزرگسالی قرار دارد، استقلال یک زن را نشان می‌دهد که یک مولفه فردی است، در حالیکه اشتغال و استقلال مالی برای مردان که در مرتبه سوم اهمیت در تعریف بزرگسالی قرار دارد، تکلیف خانوادگی یک مرد را نشان می‌دهد که مولفه‌ای در حوزه روابط میان‌فردی است.

همچنین طبق نتایج بدست آمده، کسانی که خود را بزرگسال ادراک کرده بودند (در پاسخ سوال آیا خود را بزرگسال می‌دانید؟ جواب بله داده بودند)، در هر شش مولفه بزرگسالی نمره بالاتری کسب کردند. نلسون و بری (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود که با هدف تعیین ویژگی‌های دوره ظهور بزرگسالی و نقش ادراک بزرگسالی در رفتارهای معرف سلامت روان دانشجویان انجام گرفت، از این روش استفاده کردند. این نتیجه به طور ضمنی نشان می‌دهد که گویه‌های پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی از روایی قابل قبولی برخوردار است و به خوبی می‌تواند وضعیت بزرگسالی را مشخص کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد ابعاد بزرگسالی در بافت ایرانی (نزد دانشجویان دانشگاه تهران)، با ابعاد بزرگسالی پژوهش‌های صورت گرفته در جوامع با فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. برای مثال پژوهش‌های آرنه (۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) نشان داد اگرچه دو مولفه مسئولیت‌های خانوادگی و التزام به هنجارهای اجتماعی جایگاه بالایی در ملاک‌های بزرگسالی دارند، مولفه استقلال بیشترین فراوانی را در بین ملاک‌های بزرگسالی نزد جوانان امریکایی کسب کرده است. به عبارت دیگر بزرگ شدن در فرهنگ غالب

امریکایی به معنای "یادگرفتن روی پای خود ایستادن"^۱ است. این معنا به طور ضمنی باورهای فرهنگی فردگرایی را در امریکا تایید می کند (آرنت، ۲۰۰۱). به عنوان مثال دیگر می توان به پژوهش فاسیو و مایکاکسای (۲۰۰۳)، در کشور آرژانتین با گرایشات فرهنگی جمع گرایی اشاره کرد. نتایج این مطالعه نشان داد ملاک های خانوادگی مانند اداره منزل و مراقبت از فرزندان، ملاک های بین فردی مانند تعهد به دیگران و درک و توجه به آنها از اهمیت بالا و یکسانی با ملاک های فردی که به استقلال مربوط می شوند، برخوردار بودند. فاسیو و مایکسای جایگاه بالای ملاک های مربوط به استقلال را ناشی از جهانی شدن و اثرپذیری جوانان آرژانتینی از فرهنگ امریکایی دانستند. همچنین پژوهش باجر، نلسون و بری (۲۰۰۶) با هدف مقایسه ملاک های بزرگسالی میان دانشجویان چینی و امریکایی و دستیابی به پرسشنامه متناسب با فرهنگ چینی انجام شد. ابزار این پژوهش پرسشنامه آرنت (۲۰۰۳) به همراه سوال بازپاسخ در مورد "مهم ترین ملاک اکتساب بزرگسالی به نظر شما چیست؟" بود. طبق اصلاحات صورت گرفته مبتنی بر تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی پرسشنامه ۷ مولفه ای آرنت (۲۰۰۳) و تغییر برخی سوالات با توجه به فرهنگ جمع گرا و کمونیستی چین، پرسشنامه نهایی با پنج مولفه (انتقال نقش - التزام به هنجارهای اجتماعی - تغییرات سنی/جسمی^۲ - توانایی های خانوادگی^۳ - و - پختگی در روابط^۴) تدوین شد. نتایج این پژوهش نشان داد دانشجویان چینی نسبت به دانشجویان امریکایی به وظایف درقبال دیگران اهمیت بیشتری می دهند و در مجموع تعداد بیشتری از آنها ادراک بزرگسالی دارند. نتایج پژوهش های صورت گرفته در هندوستان نیز با پژوهش ذکر شده در چین شباهت دارد و مهم ترین مولفه بزرگسالی نزد جوانان هندی مسئولیت پذیری در قبال خانواده است (سیتر و نلسون^۵، ۲۰۱۱؛ میترا^۶ و آرنت، ۲۰۱۹). طبق نظر پونزتی^۷ (۲۰۰۳)؛ به

1. Learning to stand alone
2. Biological/age related transitions
3. Family capacities
4. Relational maturity
5. Seiter & Nelson
6. Mitra
7. Ponzetti

نقل از رجیبی و عباس‌پور، ۱۳۹۲) خانواده‌گرایی، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی هر جامعه است که جهت‌گیری افراد نسبت به آسایش، حمایت و احساس وظیفه نسبت به اعضای خانواده را نشان می‌دهد و بر نگرش‌های وفادرای، اعتماد، کمک‌طلبی و همکاری تاکید دارد. در مجموع می‌توان گفت وجه اشتراک مطالعات صورت گرفته در فرهنگ‌های مختلف از جمله کشورهای اتریش (سیرش و همکاران، ۲۰۰۹)، چین (نلسون و همکاران، ۲۰۰۴)، جمهوری چک (میسک و همکاران، ۲۰۰۷)، و انگلستان (هوروویس، ۲۰۰۷)، جایگاه کم اهمیت مولفه انتقال نقش در تعریف بزرگسالی است.

وجود دوره ظهوربزرگسالی

یافته‌های پژوهش حاضر موید نتایج حاصل از مصاحبه‌های پژوهش پیشین (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) بود و نشان داد که هرچه در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۹ سال به سمت انتهای بازه پیش می‌رویم، تعداد افرادی که خود را بزرگسال می‌پندارند، افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر افراد در بازه سنی ۲۶ تا ۲۹ سال نسبت به افراد در بازه سنی ۱۸ تا ۲۵ ادراک بزرگسالی بیشتری دارند. همانطور که اشاره شد، تغییرات اجتماعی و اثرات آن بر باورهای فرهنگی در بسیاری از جوامع نشان می‌دهد که افراد بلافاصله بعد از ۱۸ سالگی وارد بزرگسالی نمی‌شوند و در واقع بین دوره نوجوانی و بزرگسالی، فاصله‌ای بوجود آمده است که آرنت (۲۰۰۰) از آن به دوره تحولی ظهور بزرگسالی تعبیر می‌کند. برای تشخیص اینکه آیا این دوره میان نوجوانی و بزرگسالی در میان دانشجویان نمونه ما وجود دارد، از شرکت کنندگان خواسته شد تا به این سوال پاسخ دهند که "آیا خود را بزرگسال می‌دانید؟". این روش در اثبات وجود دوره ظهور بزرگسالی یا به بیان آرنت، دوره احساس بینابینی^۱ (یعنی در بعضی جنبه‌ها احساس بزرگسالی دارم ولی در بعضی جنبه‌ها خیر) در مطالعات آرنت و سایر پژوهش‌ها در کشورهای دیگر نیز استفاده شده است (برای مثال، آرنت (۲۰۰۱، ۱۹۹۷) روی نمونه‌های امریکایی؛ ژونگ و آرنت (۲۰۱۴) در چین) و یافته‌ها نشان دادند که افراد بین ۱۸ تا ۲۵ بیشترین ادراک ظهوربزرگسالی و افراد ۲۶ تا ۲۹ سال بیشترین ادراک

بزرگسالی را دارند (برای مثال آرنت و پادیلا-والکر (۲۰۱۵) در دانمارک، پتروجیانس (۲۰۱۱) در یونان، فاسیو و مایکاکسای (۲۰۰۳) در آرژانتین).

تفاوت های جنسیتی نشانگرهای بزرگسالی

یافته ها نشان داد توانایی اداره خانواده، توانایی حمایت مالی از خانواده، استقلال مالی و اشتغال ملاک های مهم تری برای مردان و توانایی تربیت و مراقبت از فرزند ملاک مهم تری برای بزرگسال بودن زنان است. این نتایج کاملاً با یافته های پژوهش پیشین (سلیمانی و حجازی، ۱۳۹۷) همسو است. علاوه بر این، از یافته های پژوهش کیفی می توان به جهت تفسیر و توضیح پژوهش حاضر بهره برد، از جمله اینکه با توجه به مصاحبه ها، توانایی اداره خانواده برای مردان به معنای مدیریت و رفع نیازهای خانواده است و همسر داری برای مردان به معنای حمایت فکری و داشتن تدبیر در حل مشکلات و چالش های خانواده است که خود را در سنجیدگی و پختگی در رفتار نشان می دهد. همچنین توانایی اداره خانواده برای زنان به معنای انجام بموقع کارهای خانه و مدیریت داخلی خانواده و همسر داری برای زنان به معنای حمایت عاطفی و ایجاد آرامش در خانواده در هنگام مشکلات است که خود را در باوقاری و متانت، تسلط بر هیجانات نشان می دهد. این یافته ها با باورهای فرهنگی ایرانی-اسلامی هماهنگ است، زیرا در دین اسلام تامین مالی و مدیریت خانواده به عهده پدر یا شوهر است و انتظار می رود زنان به مدیریت داخلی خانواده، حفظ و ایجاد آرامش در فضای خانه و تربیت و مراقبت از فرزند اهتمام بورزند (شهیدی، ۱۳۶۴).

یافته های پژوهش ها صورت گرفته در جوامع صنعتی غربی نشان می دهد که نگاه به نشانگرهای بزرگسالی در مولفه خانوادگی جنسیتی نیست و ادراک زن و مرد از وظایف متقابلشان، حاکی از برابری نقش هاست (آرنت، ۱۹۹۸). در جوامع سنتی تر مانند چین، ملاک های خانوادگی جنسیتی اند، به عبارت دیگر مرد رئیس خانواده و مسئول اصلی تامین مالی خانواده و زن مسئول مراقبت از همسر و فرزندان و تامین آسایش در خانواده است (آرنت، ۱۹۹۸). در حالی که در سایر کشورها تفاوتی میان این مسئولیت ها بین زن و مرد دیده نمی شود و تقسیم وظایف در خانواده بیشتر بر اساس ضرورت ها و موقعیت زندگی

در مقابلِ هنجارهای سنتی در این زمینه) صورت می‌گیرد (آرنت، ۲۰۰۳). البته پژوهش‌ها در غرب نشان داده‌اند آنچه در عمل رخ می‌دهد، متفاوت است. حتی در خانواده‌هایی که زوجین شاغل هستند، مدت زمانی که زن‌ها به امور خانه‌داری و مراقبت از فرزند می‌پردازند، سه برابر مردان است (استارلز^۱، ۱۹۹۴، به نقل از برک، ۱۳۹۱). در مولفه التزام به هنجارهای اجتماعی، پژوهش باجر و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که دانشجویان آمریکایی و چینی هنجارپذیری را ملاک مهم‌تری برای بزرگسالی یک زن می‌دانند. این تفاوت برخاسته از انتظارات اجتماعی سختگیرانه‌تر از زنان و این نگرش در مورد مردان است که می‌توانند خطا و اشتباه داشته باشند^۲.

به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که پرسشنامه نشانگرهای بزرگسالی در جامعه دانشجویان ویژگی‌های روانسنجی مطلوب را دارد و ابزار مناسبی برای شناخت ادراک جوانان از مفهوم بزرگسالی و شناخت بهتر این دوره سنی است که به پژوهشگران در برنامه‌ریزی‌های متناسب با ویژگی‌های جوانان کمک می‌کند. با وجود این پژوهش با برخی محدودیت‌ها مواجه است: نخست آن که، شرکت‌کننده‌ها از یک دانشگاه و یک شهر انتخاب شدند، گرچه دانشگاه تهران از تنوع قومیتی بالایی برخوردار است، انجام پژوهش‌های متعدد روی قشرهای مختلف جامعه با وضعیت اجتماعی-اقتصادی گوناگون، گروه‌های سنی مختلف و سایر شهرهای کشور برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج پیشنهاد می‌شود. دوم آن که بررسی در این پژوهش به ساختار عاملی و همسانی درونی محدود بود. بنابراین، بهتر است در پژوهش‌های بعدی سایر ویژگی‌های روانسنجی این پرسشنامه بررسی شود.

1. Starrles
2. Boys will be boys

منابع

- امیری، سهراب؛ قاسمی نواب، امیر و یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). پایایی، روایی و تحلیل عاملی نسخه فارسی پرسشنامه استرس نوجوانان. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۷ (۲۵)، ۸۹-۱۱۶.
- برک، لورا (۱۳۹۱). *روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ارسباران.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۱). *رساله نوین (۳): مسائل خانواده*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رجبی، غلامرضا و عباس پور، ذبیح الله (۱۳۹۲). بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی خانواده گرایی، *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱۴ (۴)، ۲۵-۴۱.
- سلیمانی، زهره و حجازی، الهه (۱۳۹۷). ادراک جوانان از مفهوم بزرگسالی: آیا تفاوت جنسیتی وجود دارد؟. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۵ (۵۷)، ۳-۱۶.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۴). *زندگانی فاطمه (ع)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- Arnett, J. J. (1995). Broad and narrow socialization: The family in the context of a cultural theory. *Journal of Marriage and the Family*, 617-628.
- Arnett, J. J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood. *Youth & Society*, 29(1), 3-23.
- Arnett, J. J. (1998). Learning to stand alone: The contemporary American transition to adulthood in cultural and historical context. *Human development*, 41(5-6), 295-315.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American psychologist*, 55(5), 469.
- Arnett, J. J. (2001). Conceptions of the transition to adulthood: Perspectives from adolescence through midlife. *Journal of adult development*, 8(2), 133-143.
- Arnett, J. J. (2003). Conceptions of the transition to adulthood among emerging adults in American ethnic groups. *New directions for child and adolescent development*, 2003(100), 63-76.
- Arnett, J. J. (2014). *Emerging adulthood: The winding road from the late teens through the twenties*. Oxford University Press, USA.

- Arnett, J. J., & Padilla-Walker, L. M. (2015). Brief report: Danish emerging adults' conceptions of adulthood. *Journal of adolescence*, 38, 39-44.
- Arnett, J. J. (2018). Conceptual Foundations of Emerging Adulthood. In *Emerging Adulthood and Higher Education* (pp. 11-24). Routledge.
- Badger, S., Nelson, L. J., & Barry, C. M. (2006). Perceptions of the transition to adulthood among Chinese and American emerging adults. *International Journal of Behavioral Development*, 30(1), 84-93.
- Facio, A., & Micocci, F. (2003). Emerging adulthood in Argentina. *New directions for child and adolescent development*, 100, 21-32.
- Grob, A., Krings, F., & Bangerter, A. (2001). Life markers in biographical narratives of people from three cohorts: A life span perspective in its historical context. *Human Development*, 44(4), 171-190.
- Grusec, J. E. (2002). Parental socialization and children's acquisition of values. *Handbook of parenting*, 5, 143-167.
- Hogan, D. P., & Astone, N. M. (1986). The transition to adulthood. *Annual review of Sociology*, 12(1), 109-130.
- Horowitz, A. D., & Bromnick, R. D. (2007). "Contestable adulthood" variability and disparity in markers for negotiating the transition to adulthood. *Youth & Society*, 39(2), 209-231.
- Keniston, K. (1971). *Youth and dissent: The rise of a new opposition*. New York: Harcourt Brace Jovanovich
- Levinson, D. J. (1978). *The seasons of a man's life*. New York: Knopf.
- Macek, P., Bejček, J., & Vaničková, J. (2007). Contemporary Czech emerging adults: Generation growing up in the period of social changes. *Journal of Adolescent Research*, 22(5), 444-475.
- Mitra, D., & Arnett, J. J. (2019). Life Choices of Emerging Adults in India. *Emerging Adulthood*. <https://doi.org/10.1177/2167696819851891>
- Nelson, L., Badger, S., & Wu, B. (2004). The influence of culture in emerging adulthood: Perspectives of Chinese college students. *International Journal of Behavioral Development*, 28(1), 26-36.
- Nelson, L. J., & Barry, C. M. (2005). Distinguishing features of emerging adulthood: The role of self-classification as an adult. *Journal of adolescent research*, 20(2), 242-262.
- Petrogiannis, K. (2011). Conceptions of the transition to adulthood in a sample of Greek higher education students. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 11(1), 121-137.
- Schlegel, A., & Barry Iii, H. (1991). *Adolescence: An anthropological inquiry*. Free Press.

- Seiter, L. N., & Nelson, L. J. (2011). An examination of emerging adulthood in college students and nonstudents in India. *Journal of Adolescent Research, 26*(4), 506-536.
- Sirsch, U., Dreher, E., Mayr, E., & Willinger, U. (2009). What does it take to be an adult in Austria? Views of adulthood in Austrian adolescents, emerging adults, and adults. *Journal of Adolescent Research, 24*(3), 275-292.
- Tabachnick, B.G & Fidel, L. (1996). *Using Multivariate Statistics*. New York: Happer Collins College.
- Tanner, J. L. (2006). Recentring During Emerging Adulthood: A Critical Turning Point in Life Span Human Development. In J. J. Arnett, & J. L. Tanner (Ed.), *Emerging adults in America: Coming of age in the 21st century* (pp.21-55). Washington, DC, US: American Psychological Association.
- Zhong, J., & Arnett, J. J. (2014). Conceptions of adulthood among migrant women workers in China. *International Journal of Behavioral Development, 38*(3), 255-265.